

شد آنکه اهل نظر بر کناره می‌رفتند

هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش

« حافظ (ع) »



محمد امین فروتن

این یاد داشت را با زهم به مسأله انتخابات ریاست جمهوری افغانستان اختصاص داده ام که این موضوع با گذشت هرروزابعاد تازه ای را می یابد و همین پهلوهایی جدید آن باعث میشود تا برای نویسندگان و تمامی اهل قلم جامعه ما به یک سوژه جالب و شگفت انگیزی مبدل شود ، دیروزچهارشنبه مورخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۹ مطابق با ۲۵ سنبله ۱۳۸۸ هجری شمسی مطبوعات چاپی و برقی گزارش دادند که به اساس اعلام آخرین نتایج قسمی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان حامد کرزی رئیس جمهور و کاندید انتخابات ریاست جمهوری افغانستان باکسب ۵۵ درصد کل آراء حساب شده برنده انتخابات ریاست جمهوری افغانستان محسوب میشود . پیوست با این اعلام دکتر فداحسین ملکی سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل ناگهان طی یک کنفرانس مطبوعاتی نظریه تشکیل دولت ائتلافی در افغانستان را مطرح ساخت که واکنش های شدیدی از تحلیل گران امور افغانستان را برانگیخت و برخی از شخصیت های حقوقی و حقیقی به شمول روزنامه نویسان و اصحاب مطبوعات چنین اظهارات را مداخله آشکار در امور داخلی افغانستان عنوان کردند . در گرماگرم ارائیه چنین یک طرحی که از سوی یک مقام رسمی و مسؤول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای حل بحران افغانستان ارائیه گردیده بود ، آقای حسن قشقاوی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که « انتخابات افغانستان يك امر داخلي این کشور است و جمهوری اسلامی ایران علاقه مند به برقراری امنیت و ثبات و تبلور حاکمیت اراده مردم بر افغانستان می باشد و برگزاری انتخابات نیز عاملی در راستای تحکیم حاکمیت نهادهای قانونی بوده و جمهوری اسلامی ایران از آن استقبال می نماید .

سخنگوی وزارت امور خارجه با ارزیابی نتایج تحولات انتخابات افغانستان خاطرنشان ساخت: هر فردی را که مردم افغانستان انتخاب کنند رئیس جمهوری قانونی افغانستان می باشد و جامعه جهانی مسلماً او را به عنوان رئیس جمهور افغانستان می پذیرد. همه کشورها باید به منتخب مردم افغانستان احترام بگذارند و آنرا بپذیرند.

قشقاوی درخصوص تحرکات قدرت های خارجی درخصوص انتخابات اظهار داشت: کشورهای خارجی حق دخالت در امور کشورهای دیگر از جمله مسئله انتخابات را ندارند و نباید نظرات خود را بر دیگران تحمیل کنند و ملت افغانستان ثابت نموده است که تحمیل خارجی را نمی پذیرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پایان تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران به همه نامزدهای انتخابات افغانستان توصیه می نماید که منتظر نتایج نهایی انتخابات در ۲۶ شهریور (۱۷ سپتامبر) باشند و تحت تأثیر تبلیغات سوءخارجی قرار نگیرند و هرگونه نظری هم دارند در چارچوب قوانین افغانستان و با صلاحیتهای داخلی تعقیب گردد. وی اختلافات اخیر در مورد نتیجه انتخابات در افغانستان را داخلی خواند * «

تیغ خونین شانگهای بر گلون حوادث افغانستان و منطقه !!

در اوج این گونه اظهارات ضد و نقیض مقامات سیاسی جمهوری اسلامی ایران و با اعلام نتایج قسمی و غیر رسمی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ، پیام تبریکی شخص احمدی نژاد که پس از برگزاری یک نمائش خونین انتخاباتی در ایران از سوی آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری « ولایت فقیه » ایران به کاخ سعد آباد راه یافته است عنوانی حامد کرزی همتای افغانی خود با یک عجله بینظیر و شگفت انگیزی صادر گردید . انگیزه و نیت اصلی ودرونی این اقدام شتاب زده آنگاه برملا گردید که وزارت های خارجه روسیه و جمهوری خلق چین دوعضوبرجسته و قدرتمند کنفرانس شانگهای یا *Shanghai Cooperation Organization* مبنی بر حمایت از اعلام نتایج قسمی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بیانیه های جداگانه ای را صادر نمودند . ارسال پیام شتاب آلود تبریکه ای محمود احمدی نژاد عنوانی حامد کرزی و صدور بیانیه های دوکشور قدرتمند کنفرانس شانگهای (چین و روسیه) مبنی بر حمایت از اعلام نتایج قسمی و غیر رسمی انتخابات افغانستان حکایت از یک تصمیم کودتائی منطقوی دارد که در راستای مدیریت بحران افغانستان از سوی مراکز امنیتی کنفرانس منطقوی شانگهای اتخاذ شده است . در تصویر چنین اعلامیه ها و اخبار و روایت های صریح و روشنی بود که با همه عظمت های خیره کننده و ویژه گی های شگفت انگیز « مافیائی » که زمین و فضای انتخاباتی در افغانستان را رنگین ساخته بود و تا هنوز هم این حکایت ادامه دارد ، دکتورین منطقوی ساختن بحرانات در منطقه بویژه کشورهای جنوب غرب آسیا و آسیای میانه از سوی کشور های عضو سازمان همکاری های منطقوی

«شانگهای Shanghai Cooperation Organization» بصورت طبیعی و نامرئی به شکل مرموز کودتائی همچون شمشیر خونینی است که با مطالعه روان شناسی سیاسی مردم و کشور های ساکن در این حوزه فرود می آیند .

دست درازی های صریح و روشن روسیه و چین به مثابه اعضای قدرتمند سازمان همکاری های منطقه ای « شانگهای Shanghai Cooperation Organization » در برگزاری انتخابات کشورهای ایران و افغانستان که بروی یک تصادف عجیبی همزمان در هر دو کشور همسایه یعنی ایران و افغانستان برگزارگردید پرده از برخی معاملات پنهانی نیز برداشت ، چنانچه برخی گزارشهای محرم امنیتی که حتی به بعضی از منابع نشراتی در منطقه نیز سرایت کرده است ، حکایت از پرداخت ماهیانه مبلغ یک میلیون دالر از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران به شخص جلالتمآب کرزی رئیس جمهوری افغانستان دارد . که همین مطلب از سوی یکی از چهره های بلند رتبه سیاسی و امنیتی طی گفتگوی مفصلی که با نویسنده داشت با این استدلال که جمهوری اسلامی ایران از بدو جهاد افغانستان تا اکنون با « برادران » افغانی خود از هیچ نوع کمک دریغ نکرده است مورد تائید قرار گرفت ، البته این منبع اعطای کمک های دالری به شخص جلالتمآب کرزی را بدون آنکه رقم دقیق آنرا ذکر کند در را ستای پروژه حمایت از شیعیان افغانستان و سهم دادن آنها در قدرت سیاسی افغانستان عنوان کرد وگفت که جمهوری اسلامی ایران فریضه الهی و مسؤولیت تاریخی وایمانی !! خود میداند که درمانده گان و بیچاره گان عالم را که مورد ظلم وستم واقع میشوند با هر نوممکن در برابر مستکبران و ستمگران جهان یاری رسانند !!

آنگاهی که وسیله هدف را توجیه کند !

میگویند ، شخصی که از درد شدید شکم شکایت داشت و به شفاخانه رفت و عکس گرفت ، معلوم شد که چند دانه قاشق ها در داخل شکم اش موجود است ، سپس داکتر از مریض پرسید که این قاشق ها از کجا آمده است ؟ مریض بلا درنگ در جواب داکتر گفت ؛ آقای داکتر ! مرتبه ای قبل که نزد خودت برای معالجه آمده بودم شما یک شربت را برایم تجویز کردی و گفتید که روزی سه قاشق بخورم من هرروز سه قاشق را صرف کرده ام که چندان فایده نکرد . !!

با درد و دریغ که داستان زندگی ملت و مردم فقیر افغانستان نیز با این بیماری که از درد شکم رنج می برد و نزد داکتر مراجعه کرده بود شباهت دارد . مگر قبل از اینکه به اصل « مشروعیت و یاهم عدم مشروعیت اصل انتخابات در افغانستان » که « شاه بیت » و روح اصلی مطبوعات مافیائی افغانستان را تشکیل می دهند برسیم مکث کوتاهی نیز به برخی مفاهیم و واژه های انکار ناپذیر حقوقی بیا ندازیم که مستلزم و شرط اصلی حقانیت و یاهم عدم حقانیت برگزاری انتخابات آزاد و دمو

کراتیک در افغانستان شناخته میشوند . تا در آئینه آن مفاهیم پراعتبار حقوقی لزوم و ضرورت برگزاری انتخابات عمومی را بنگریم .

۱ : دولت و مشروعیت (راه یافت تاریخی و تیوریک آن) : چنانچه اکثریتی از فلاسفه و جامعه شناسان دنیابراین باورند که « منشأ مشروعیت دولت » تنها به حوزه فلسفی سیاسی تعلق ندارد ، بلکه به روانشناسی اجتماعی نیز مربوط می شود در پرتو این فرآیند جامعه شناسانه تاریخی بررسی اصل دولت و منشأ آن هرگز از بررسی دقیق و علمی مشروعیت آن جدا نیست . تعریف و ترسیم درست از « دولت » راهی است که از محور شناخت « مشروعیت » عبور میکند . لهذا ضرورت وجود « مدیریت سالم » ، « کارآموده » و باکفایت برای اداره و مدیریت جامعه قابل کتمان نیست . تجربه کنونی از زندگی در جهان معاصر حکایت از این واقعیت دارد که اساساً دولت پاک به مثابه مدیریت راستین و عادلانه ، در قلمرو واقعیت های قابل لمس و غیر قابل انکار امروزی رسالت بسی خطیر و تاریخی دارد که بر تئاب های مستحکم مکانیزم خردمندانه جمعی یا همانا « اجتهاد پویا و دینا میک علمی » گره زده شده است . واضح است که در شرائط کنونی جامعه افغانی که فضای سیاسی و فرهنگی بویژه امنیتی و اقتصادی کشور حال و هوای دیگری دارد نه میتوان نهادی بنام دولت در جامعه افغانی را با ضریب بلندی از نظام مردم سالاری و دمو کراسی مورد ارزیابی قرار داد و تخمین زد اما نباید وجود چنین شرائط سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی را زمینه ساز برائت فعالان سیاسی و نهاد های شبه مدنی در جامعه افغانی دانست . از سوی دیگر یکی از مباحث مهم جاری در فضای فکری و سیاسی کنونی افغانستان « **مشروعیت انتخابات** » است که عده ای از شبه روشنفکران و کارگزارانی که شرکت سهامی مافیائی بنام « دولت جمهوری اسلامی افغانستان ! » را اداره میکنند می کوشند تا چگونگی اجرای چنین انتخابات را به مثابه وثیقه مشروعیت هشت سال گذشته بویژه سه چهار سال اخیر که « **فصل خونین ذبح امید ها ی** » مردم جنگزده افغانستان آغازیدن گرفت مورد استفاده قرار دهند . همچنان فضای سیاسی - فرهنگی میهن مان نیز چون جولانگه آرائی است که با صورت بندی « استبداد مافیائی » در قالب « دولت جمهوری اسلامی افغانستان » در کار القای ضد انسانی ترین دید گاه ها در پوششی از گرامیترین و جذاب ترین عناوین مانند « انتخابات آزاد » و مشروع بوده که نسل جوان ما نیز در شرائطی خاصی از چنین گفتمان معیوب متأثر گردیده است . این گفتمان منسوخ که بنام « انتخابات آزاد » در جدار های نامشروعی از تاریخ حداقل سه ، چهار سال اخیر میهن ما باز تولید گردیده است و از آن به مثابه مرحله گذار و رودخانه ای استفاده میگردد که فرصت سوزی های درد ناک تاریخی را در کالبد آرمان ها مجروح و شکست خورده یک تمدن بزرگ انسانی شستشو کنند . میتوان جریان « انتخابات آزاد و دموکراتیک در افغانستان » را به حال گروهی از « **رهزنان حرفوی** » و « **دزدان سر گردنه** » در جامعه تشبیه

کرد که قافله ها و کاروانهای مردم را که اموال تجاری و غیر تجاری را بسوی یک هدف معلومی حمل می کنند با یک شبخون دسته جمعی و ظالمانه به تاراج برند و حین تقسیم اموال به غارت برده شده تمامی موازین « عدالت و حقوق شهروندی » را مراعات کنند !!
چنین است وضع آشفته « انتخابات آزاد و دموکراتیک در جامعه ما » .

گفتیم که مشروعیت یک نهاد اجتماعی بویژه دولت مشروع ملی در جوامع انسانی بخصوص در کشور های عقب مانده جهان سوم منوط و مربوط به آن است که بتواند از تمامیت ارضی ، استقلال و حاکمیت مردمی ، بالاخره حقوق و آزادی های فردی شهروندان دفاع کند . مگر با درد و تأسف فراوان که با سپری شدن هشت سالی که از بدو انعقاد کنفرانس تاریخی بن سپری می شود خواسته اصلی زمامداران شماره اول کشور ما تا هنوز هم از جامعه جهانی و فرماندهی نظامی ائتلاف جهانی ضد تروریزم این است که حین عملیات نظامی بویژه حملات هوایی متوجه تلفات شهروندان بی گناه غیر نظامی باشند . !!

جالب ترین و درعین حال مسخره آمیزترین درخواست رژیم کابل از جامعه جهانی این است که حتی المقدور نیروها و سربازان بیشتری از ارتش کشور های خارجی را وارد افغانستان سازند ، رژیمی که با سپری شدن هشت سال حضور نظامی و لوجستیکی جامعه جهانی در افغانستان بر علاوه از اینکه در مبارزه با تروریزم و مخالفین خود از کمک ده ها هزار ارتش منظم بیگانه برخوردار و بهره مند بوده است ، ده ها ملیارد دالر را نیز بصورت وجهه نقدی بنام « باز سازی کشور افغانستان » حیف و میل ساختند !! چنانچه تمامی مردم دنیا شاهد استقبال و حمایت جلالتمآب کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان از درخواست مک کریستال، فرمانده امریکایی نیروهای ناتو مبنی بر ازدیاد عساکر ناتو و سربازان ایالات متحده امریکا بوده اند . هیچگونه تردیدی وجود ندارد که جنرال مک کریستال جنرال اردوی امریکا که از تجربه های عملی در عراق نیز برخوردار است ، در سلسله مأموریت های اضطراری خود برای جبران شکست ها و ناکامی های استراتژیک ایالات متحده امریکا از « بارک اوباما » رئیس جمهور امریکا به حیث فرمانده لشکر امریکائی و همچنان فرمانده عمومی ارتش مشترک ناتو به افغانستان مأموریت یافته اند زمینه ساز سناریوی اعلام حمایت آقای کرزی بوده باشد .

بافت حقوقی جمهوری اسلامی افغانستان!!

شبکه مافیائی که به عنوان « دولت جمهوری اسلامی افغانستان » در متن حقوقی ای بنام قانون اساسی فورمولبندی شده است ، جمهوریت و اسلامیت دو مؤلفه بنیادینی اند که چنین حکومتی را تشکیل می دهد . واضح است که رکن جمهوریت مظهر اراده انسان و رکن اسلامیت نمایانگر اراده خداوند است . که جمهوریت مطروحه در قانون اساسی از نوع دموکراتیک است و با انواع

جمهوری های نخبه گرا ، اشرافی ، طبقاتی و محدود تفاوت های معنی داری دارد ، زیرا به ظاهر رأی مستقیم و برابر همه افراد و شهروندان جامعه ، با صرف نظر از پایگاه طبقاتی ، قومی ، نژادی ، جنسیت ، ثروت و قدرت تعیین کننده سرنوشت و انتخاب کننده نهاد های حکومتی و فرآیند های تصمیم گیری سیاسی است . شگفت انگیز است که قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان به مثابه میثاق ملی نه تنها مغائر با سنت های پوسیده و حاکم بر جامعه افغانی تدوین گردیده است بلکه اکثریتی از تدوین کننده گان این قانون نیز در حوزه باور و اعتقاد برآن دچار مشکل عجیبی شده اند . زیرا گفتمان اندیشه های دینی معاصر با قرئت مردم سالار و دموکراتیک آن از هرگونه آشتی با قرئت طالبانی از دین که ریشه در قرئت تاریخی دینی دارد بی بهره می باشد . البته چنین فضای پارادوکسیال و متضاد را فشار جامعه جهانی و قوانین اساسی آنها که بیشتر فاقد عدالت اما مالامال از آزادی خواهی اند پُر می سازد ؛ آری ! آزادی که ایدیولوگ برجسته و اطریشی الاصل یهودی تبار [کارل پوپر](#) [Karl popper](#) خود را مجاز میداند که حتی به جنگ افروزی و قتل عام مخالفان یا اعمال سلطه استعماری بر کشورهای فقیر جهان فتوی دهد ، در پرتو و درسایه چنین دیدگاهی بوده که قانون گذاران قانون اساسی افغانستان به مثابه میثاق ملی بدون هضم محتوای مفاهیم مهم و حیاتی همچون انطباق دیانت با مردم سالاری و دموکراسی در بستر فرهنگ تاریخی و دینی مردم افغانستان با کاپی کردن قوانین اساسی کشور های جهان بویژه آنده کشور های که در ائتلاف جهانی ضد تروریسم اشتراک دارند بسنده نمودند . وجود چنین تناقض آشکار میان قرئت و گفتمان سنتی از دین اسلام که بر تصمیم گیری های اکثریتی از قانون گذاران قانون اساسی افغانستان سایه افکنده بوده و جوهر اصلی قرئت دینی که با پیشرفت های علمی و خلاقیت های ذهنی انسان نه تنها انطباق دارد بلکه چنین انسانی را که بر مسند خلافت الهی نشسته است ستون فقرات یک جامعه اخلاقی و متمدن معرفی میکند ؛ تنها با توهومات شرک آلود ، دروغ و ریأ کاری های ذلیلانه رونق می بخشند . اینجاست که حاکمان و زور گیران با مشروعیت کاذب در تاریخ و جامعه حضور می یابند . با این توضیح که ازدیدگاه ما هرچندکه دموکراسی نوعی متد ولوژی، و نه ایدیولوژی است که بهترین روش ممکن برای همزستی اجتماعی و رفع تعارض های سیاسی و حکومت کردن است و به هیچ وجه ، قاعده حاکمیت اکثریت ، معیار وملاک ذاتی باور ها ، مکتب ها ، اندیشه ها نه می باشد . [حاصل سخن اینکه با گذشت هشت سالی که از عمر اداره کنونی سپری میشوند ، بهترین و گوه ربار ترین فرصت های تاریخی را که پس از حادثه غمناک یازدهم سپتمبر نصیب مردم فقیر و جنگزده ما شده بود بدست حاکمان دست نشانده بومی و مداحان سیاسی آنها در همدستی با مافیای بین المللی به خاک فرورفتند . هیچگاه با براه انداختن سناریو های کومیک و درعین حال تراژدیکی که بنام « انتخابات آزاد » در میهن خونین ما بر پا گردیده است نه میتوانند نا مشروع بودن کالبد اصلی و پوسیده « دولت جمهوری اسلا](#)

می افغانستان» را تطهیر کند . هرچند به نحو مشروع !! و بدون اندکترین « تقلب و تخلفی !! » برگزار گردد .

اما چه باید کرد ؟

این پرسشی است که دغدغه اصلی تمامی روشنفکران و نویسندگان دلسوز جامعه ما را تشکیل می دهد هرچند من به عنوان کسی که خود از تحولات تاریخ و جامعهء درد دیده خود می آموزم و رنج ها و درد ها بهترین آموزگاران من بودند و هستند و در اکثریتی از نوشته ها و تحلیل های خودم به این پرسش مکثی کرده و پاسخ داده ام مگر از اینکه پاسخ مستقل به این سوال آغاز یک مبحث جداگانه ای را ایجاب میکند که در یک فرصت دیگری به آن خواهم پرداخت .

یار زنده صحبت باقی

27 سپتمبر 2009

* به نقل از خبر گزارایی جمهوری اسلامی ایران و واحد مرکزی خبر ایران - تهران